

نگرش به فرزندآوری: نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت شناختی

سیده زینب رضوانی دیوکالایی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران
 حسین رضائیان بیلندی / دانشجوی دکتری روان‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)
 امین رحمتی / دانشجوی دکتری قرآن و روان‌شناسی جامعه المصطفی العالمیه
 دریافت: ۱۳۹۸/۰۱/۲۲ - پذیرش: ۱۳۹۸/۰۶/۰۵
 این پژوهش با حمایت معاونت پژوهش جامعه الزهرا (ع) انجام شده است.
 goleeee@chmail.ir
 h.rezaeiyan60@gmail.com
 rahmaty2000@gmail.com

چکیده

این پژوهش، با هدف بررسی نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری به روش توصیفی و از نوع همبستگی انجام شد. بدین منظور ۳۶۰ نفر از جامعه دانشجویان و طلاب متأهل شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶، به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای انتخاب و به پرسش‌نامه‌های سبک زندگی اسلامی (ILST) و نگرش به فرزندآوری پاسخ دادند. در تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون گام به گام استفاده شد. یافته‌ها نشان داد که بین تحصیلات و طبقه اجتماعی، با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت و بین شغل و میزان درآمد با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط منفی وجود دارد. از بین همه متغیرهای جمعیت‌شناختی، تنها بین طبقه اجتماعی اقتصادی با نگرش مثبت به فرزندآوری ارتباط منفی به دست آمد. نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه گام به گام نشان داد که مؤلفه‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، نوع دوستی، گنهکاری و طبقه اجتماعی اقتصادی، به خوبی می‌توانند نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی نمایند. این یافته‌ها، نقش مهم و زمینه‌ای سبک زندگی اسلامی را در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری نشان می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: فرزندآوری، نگرش به فرزندآوری، سبک زندگی اسلامی، جمعیت شناختی.

مطالعات تاریخی نشان می‌دهد که جامعه ایران از دیرباز همواره به‌عنوان یک جامعه خانواده‌مدار مطرح و در آن توجه فراوان به مقوله فرزندآوری مطلوب بوده است (مدیری و رازقی نصرآبادی، ۱۳۹۴). در آموزه‌های دینی نیز یکی از حکمت‌های مهم آفرینش انسان در قالب زن و مرد و تشکیل خانواده، تولید و بقای نسل (شوری: ۱۱) معرفی شده است (طباطبائی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۳۴). قرآن کریم فرزند را برای انسان مایه امید (نحل: ۷۳)، نور چشم (فرقان: ۷۴؛ قصص: ۹)، نعمت الهی، هدیه الهی، باعث آسودگی خاطر و شادی (قصص: ۱۳)، باعث قوت قلب (نوح: ۱۲) و شگفتی (ابراهیم: ۴۰) می‌داند. در آموزه‌های روایی نیز از فرزند با تعبیرهایی همچون صدقه جاری (نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۵۰)، ثمره زندگی و ثمره وجود انسان (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۱۷-۱۸)، گلی از گل‌های بهشت (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶، ص ۲۲۲)، بهترین نعمت (نوری طبرسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴، ص ۱۱۳) و باعث خیر و برکت (متقی هندی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۶، ص ۲۸۱) یاد شده است.

باین‌حال امروزه و در دهه‌های اخیر کاهش باروری به یکی از مشکلات جهانی، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، از جمله ایران، تبدیل شده است. نتایج آخرین گزارش از سرشماری سال ۱۳۹۵، کاهش نرخ رشد جمعیت کشور به ۱/۲۴ درصد را نشان می‌دهد (سایت مرکز آمار ایران، ۱۳۹۶). برخی از پژوهش‌های انجام‌شده در نقاط مختلف کشور نیز حاکی از افزایش الگوی تک‌فرزندی و عدم تمایل بیش از شصت درصد از زنان به فرزندآوری است (حسینی و بیگی، ۱۳۹۳). این موضوع نگرانی‌های زیادی را به‌ویژه برای سیاست‌گذاران و صاحب‌نظران جهت درک علل کاهش باروری به وجود آورده است (نفیسی و همکاران، ۱۳۹۳).

از دیدگاه صاحب‌نظران، مسئله باروری و گرایش به فرزندآوری با آگاهی‌های زنان و مردان و نوع نگرش آنها به فرزندآوری ارتباط عمیقی دارد. نگرش به‌معنای آمادگی فکری و روانی افراد است که براساس تجربه‌های سازمان‌یافته شکل می‌گیرد و پاسخ فرد به موقعیت‌های مختلف را هدایت می‌کند (کاوه فیروز و همکاران، ۱۳۹۵). نگرش و رغبت به فرزند به‌عنوان یکی از وقایع مهم زندگی زناشویی، می‌تواند بسیاری از مسائل دیگر، از جمله سلامت و بهداشت روان، وضعیت اقتصادی، رفاه و کارآمدی خانواده را تحت تأثیر قرار دهد.

پژوهش‌های تجربی نشان می‌دهد که اندیشه فرزندآوری یکی از فرایندهای زیربنایی در تحکیم خانواده است. در همین راستا، ماکسول (Maxwell) و مونتگمری (Montgomery) (۱۹۶۹) در بررسی‌های خود نشان دادند که اندیشه فرزندآوری در ایجاد آرامش و کارآمدی خانواده نقش مهمی دارد. فروبل (Froebel)، شورتس (Shorts)، الیزابت پی بادی (Peabody) و مونتته سوری (Montessori) نیز از جمله افرادی هستند که بر اهمیت نقش فرزند در پایداری خانواده تأکید کرده‌اند (برنارد، ۱۳۶۹، ص ۴۰-۵۰). ویلیام سیرز (۱۹۹۱)

نیز در پژوهش‌های نظام‌مندی که درباره تأثیرات مثبت فرزند در خانواده انجام داد، به این نتیجه رسید که نگرش مثبت به فرزندآوری، در بهداشت روانی خانواده و ادراک و نیز نگرش‌های عاطفی همسران به هم و به فرزندان، از اهمیت خاصی برخوردار است.

در نگرش مثبت به فرزندآوری و رویکرد اسلام‌گرایانه، تشکیل خانواده و فرزندآوری نه تنها باعث بروز مشکلات معیشتی در خانواده نمی‌شود، بلکه در پرتو ازدواج و فرزندآوری، وعده توسعه رزق و افزایش برکت و روزی (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۵۴) داده شده است. همچنین در آموزه‌های دینی از کمبود رزق و برکت در خانه‌ای سخن به میان آمده است که خالی از فرزند باشد (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۳۷۵). بنابراین در فرهنگ اسلامی، فرزند از بهترین و ارزشمندترین جایگاه بهره‌مند است و فرزندآوری یک مسئولیت خطیر و وظیفه دینی تلقی می‌شود. والدین به این وظیفه نگاه تقدس‌گونه دارند و در برابر آن با کمال وجود آمادگی پیدا می‌کنند (بشیری، ۱۳۸۸).

در مقابل و به موازات گسترش نگرش‌های فردگرایانه مادی، فرزندآوری که زمانی تدبیری برای توسعه کمی خانوار افزون بر توان اقتصادی خانواده و برخورداری از نیروی کار ارزان و قابل اتکا تلقی می‌شد، جای خود را به این نوع نگرش داده است که هر فرزندی که به نهاد خانواده افزوده می‌شود، همچون موجودی هزینه‌بر و سرمایه‌سوز عمل می‌کند که داشته‌ها و آورده‌های اقتصادی خانوار را می‌بلعد. در این دیدگاه، کودکان، دیگر نیرویی در خدمت و یاری اقتصاد خانواده نیستند؛ بلکه عاملی برای اتلاف منابع مادی قلمداد می‌شوند که سالیان سال نه تنها درآمدی کسب نمی‌کنند، بلکه هزینه‌هایی بر اقتصاد خانواده می‌افزایند (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵). پیامد این نوع نگرش، کاهش تعداد فرزندان و تبدیل شدن آنان به عاملی مؤثر در کاهش رضایت زناشویی و همچنین موجب افزایش خانواده‌های بدون فرزند در جوامع صنعتی شده است (بستان، ۱۳۹۰، ص ۶۹).

نتایج پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهد که گرایش به فرزندآوری، تحت تأثیر مجموعه‌ای از عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است. در حالی که در گذشته بیشتر جمعیت‌شناسان بر عوامل اقتصادی و زیست‌شناختی تأکید می‌کردند و به عوامل فرهنگی کم‌توجه یا بی‌توجه بودند، در سال‌های اخیر توجه به عوامل اجتماعی و فرهنگی نقش مهمی در تبیین باروری و گرایش به فرزندآوری ایفا کرده است (رسول‌زاده اقدم و همکاران، ۱۳۹۵). روان‌شناسان اجتماعی نیز معتقدند که نگرش فرد به فرزندآوری، به صورت ناگهانی و بدون هیچ‌گونه فعل و انفعالاتی شکل نمی‌گیرد؛ بلکه اتخاذ و شکل‌گیری هر نوع نگرشی برای افراد، می‌تواند نتیجه عوامل مختلف و در طول زمان باشد.

مرور مطالعات مرتبط با نگرش به فرزندآوری در ایران نشان می‌دهد کاهش باروری در دهه‌های اخیر پیوند نزدیکی با عوامل ساختاری و نوسازی، نظیر افزایش شهرنشینی و تحصیلات زنان (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳)، تحولات خانواده (عباسی شوازی و عسکری ندوشن، ۱۳۸۴)، تغییر ارزش فرزند (رازقی نصرآباد و سرابی،

۱۳۹۳)، تغییر الگوی فرزندآوری (عباسی شوازی و همکاران، ۱۳۸۳) و افزایش استقلال زنان (عباسی شوازی و خواجه صالحی، ۱۳۹۲؛ عباسی شوازی و علی‌مندگاری ۱۳۸۹؛ قدرتی و همکاران، ۱۳۹۲) دارد.

رابطه بین سواد و آموزش و بالارفتن سطح آگاهی‌های عمومی به‌ویژه در میان زنان و تأثیر آن بر سطح و کیفیت فرزندآوری، در پژوهش‌های مختلف بررسی شده است. نتایج برخی از تحقیقات نشان می‌دهد که زنان باسواد دیرتر ازدواج می‌کنند؛ با فاصله بیشتری از ازدواج به اولین تولد می‌رسند و فرزندان کمتری را به دنیا می‌آورند. همچنین مطالعاتی که دربارهٔ زمان ازدواج و زمان تولد اولین فرزند در ایران انجام شده‌اند، نشان می‌دهند که متغیر تحصیلات، یکی از مهم‌ترین تعیین‌کننده‌های زمان وقوع این پدیده‌ها هستند و دسترسی بیشتر زنان به تحصیلات، به‌عنوان یک عامل اساسی تأخیر در زمان تشکیل خانواده و نگرش به فرزندآوری مطرح است (عباسی شوازی و علی‌مندگاری، ۱۳۸۹). در مطالعه شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) در سیرجان نیز تحصیلات زنان و مشارکت اجتماعی آنان نقش تعیین‌کننده‌ای در تبیین تغییرهای متغیر تمایل به فرزندآوری داشت؛ به‌گونه‌ای که با افزایش این دو عامل، تمایل به فرزندآوری کاهش یافته بود.

نتایج پژوهش‌ها دربارهٔ با موضوع اشتغال و نقش آن بر نگرش به فرزندآوری، متفاوت است. درحالی که برخی از بررسی‌ها نشان می‌دهد وضعیت اشتغال زوج‌ها در نگرش آنها به تعداد مورد دلخواه فرزند تفاوتی ایجاد نمی‌کند (مطلق و همکاران، ۱۳۹۵؛ حسینی و بیگی، ۱۳۹۳؛ عنایت و پرنیان، ۱۳۹۲)، تحقیقات دیگر حاکی از اثر معنادار اشتغال بر کاهش باروری بوده است (بوهلر و فیلیپو (Buller & Philipov)، ۲۰۰۸). در همین راستا، اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان دادند که زنان شاغل با چالش‌های بیرون‌شغلی و درون‌شغلی مواجه می‌شوند که نگرش آنها را به سمت کم‌فرزندآوری سوق می‌دهد. در زمینه متغیرهای دیگر جمعیت‌شناختی، پژوهش نفیسی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که جنسیت، رابطه معناداری با نگرش مثبت به فرزندآوری و تعداد فرزندان دلخواه دارد و میزان این دو برای مردان بیشتر است. همچنین بررسی‌ها نشان داد که افراد با تعداد خواهر و برادر بیشتر، تمایل بیشتری به فرزندآوری دارند و در این زمینه از نگرش مثبت‌تری برخوردارند.

نگرش‌های افراد به فرزندآوری لزوماً اجتماعی و براساس تفاوت‌های تحصیلی، شغلی، جنسیت و دیگر متغیرهای جمعیت‌شناختی نیست؛ بلکه می‌تواند متأثر از باورها، ارزش‌ها، هنجارها، عواطف، احساسات و رفتارهای افراد در مورد فرزندآوری، و به‌صورت کلی سبک زندگی آنان باشد. سبک زندگی، الگوی بی‌مانند فکر، احساس و عملی است که منحصر به همان فرد است و بیانگر شرایطی است که تمام تجلی‌های خاص را باید در نظر گرفت (گریفیث و پاورز (Powers & Griffith)، ۲۰۰۷). به‌عبارت دیگر، گستره سبک زندگی شامل «مجموعه‌ای از رفتارهای سازمان‌یافته [است] که متأثر از باورها و ارزش‌ها و نگرش‌های پذیرفته‌شده و همچنین متناسب با امیال و خواسته‌های فردی و وضعیت محیطی، و وجهه غالب رفتاری یک فرد یا گروهی از افراد شده‌اند» (شریفی،

۱۳۹۱). دین یکی از مهم‌ترین و بلکه از برخی جهات، بی‌بدیل‌ترین نظام معنایی است که در ساخت سبک زندگی نقش تعیین‌کننده دارد. بر همین اساس می‌توان «سبک زندگی اسلامی» را نوعی از سبک زندگی دانست که مهم‌ترین ویژگی آن، برخاسته بودن از آموزه‌های اسلامی و کلیت اسلام است (کاویانی آرانی، ۱۳۹۷). سبک زندگی اسلامی به معنای روش و شیوه نسبتاً ثابت (در رفتار، احساس و شناخت) است که فرد برای رسیدن به هدف با مبنا قرار دادن اسلام به کار می‌گیرد (مهدی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). در سبک زندگی اسلامی، عمق اعتقادات، عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود؛ بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد؛ اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید شناخت‌ها و عواطف را نیز دربرگیرد (کاویانی آرانی، ۱۳۹۷).

مؤلفه‌های شناخته‌شده سبک زندگی در دنیای علمی امروز عبارت است از روابط اجتماعی، خانوادگی، معنویت، ایمنی، آرامش و... که هریک به‌منزله بزرگراهی از راه‌های زندگی افراد شمرده می‌شود (کاویانی آرانی، ۱۳۹۷). توانایی معناسازی و معنادهی اسلام به سبک زندگی و ارائه چارچوب برای تفسیر پدیده‌ها و وقایع، از کنش‌های شناختی دین است. در این راستا سبک زندگی اسلامی می‌تواند از طریق تأثیرگذاری بر هنجارهای مختلف مربوط به تعداد افراد خانواده، تعداد فرزندان، سن ازدواج و باروری را تحت تأثیر قرار دهد (محمودیان و نوبخت، ۲۰۰۷). تحلیل‌های چندمتغیره نیز نشان داده‌اند که قصد فرزندآوری، متأثر از پابندی به باورهای دینی است و این تأثیر در حضور متغیرهای اقتصادی اجتماعی نیز باقی بوده است. همچنین با وجود اینکه میزان دینداری زنان بیشتر از مردان به‌دست آمده بود، اما نگرش به فرزندآوری در زنان و مردان تقریباً با شدت یکسانی متأثر از دینداری گزارش شد (مدیری و رازقی نصرآباد، ۱۳۹۴). همچنین مطالعه *اجقلو و سرابی* (۲۰۱۴) نیز این رابطه را تأیید کرد و نشان داد که دینداری و ارزش فرزند، باهم ارتباط مستقیم مثبتی دارند. به عبارتی دیگر، با تقویت دینداری، نگرش نسبت به فرزندآوری نیز بهتر می‌باشد.

مرور پیشینه مذکور، علاوه بر اینکه رابطه متغیرهای ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سبک زندگی اسلامی را به‌صورت کلی تأیید می‌کند، کمبود و نقص ادبیات علمی موجود را نیز در دو جهت روشن می‌سازد: نخست آنکه پژوهش‌های انجام‌شده، تلقی یکسانی از نقش باورهای دینی در نگرش به فرزندآوری ارائه نداده‌اند و در تعریف و سنجش آن نیز نوعی تقلیل‌گرایی و اثرپذیری از الگوهای غیربومی وجود دارد؛ دوم اینکه بیشتر تحقیقات با رویکردی جامعه‌شناسانه به رابطه صرف باروری با مجموعه‌ای از متغیرهای زمینه‌ای، محدود شده‌اند و مطالعه بومی که با رویکرد روان‌شناختی و دینی نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی را در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری بررسی کرده باشد، یافت نشد. بنابراین، هدف از پژوهش حاضر رفع کمبود و نقص ادبیات علمی موجود و پاسخ به این سؤال است که آیا بین سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی با دو نوع نگرش به فرزندآوری رابطه معناداری وجود دارد؟ و اینکه هریک از مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی چه نقشی در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری افراد دارند؟

روش پژوهش

پژوهش حاضر جزء تحقیقات توصیفی و از نوع همبستگی است. در این پژوهش، سبک زندگی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی به‌عنوان متغیر پیش‌بین، و نگرش به فرزندآوری (نگرش منفی و نگرش مثبت به فرزندآوری) به‌عنوان متغیر ملاک بود. جامعه آماری پژوهش حاضر کلیه دانشجویان و طلاب متأهل شهر قم در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بودند که ۳۶۰ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و پرسش‌نامه‌های مربوطه را تکمیل کردند. اطلاعات و پاسخ‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS و آزمون‌های آماری تجزیه و تحلیل شدند. برای گردآوری داده‌ها، علاوه بر ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مربوط به جنس، سن، مدت ازدواج، میزان تحصیلات، شغل، وضعیت اقتصادی، میزان درآمد، ترتیب تولد، تعداد برادران و خواهران و تعداد فرزندان، از ابزارهای زیر استفاده شد:

پرسش‌نامه سبک زندگی اسلامی (ILST): این آزمون توسط کاپویانی (۱۳۸۸) برای سنجش سبک زندگی یک فرد مسلمان ساخته شده و دارای فرم بلند (۱۳۵ سؤال) و فرم کوتاه (۷۵ سؤال) است. آزمودنی باید با توجه به وضعیت فعلی زندگی خود، به هر آیت‌م در یک طیف چهاردرجه‌ای از «خیلی کم» تا «خیلی زیاد» پاسخ دهد. نمرات واقعی سؤالات یکسان نیست؛ بلکه ضریب‌های یک تا چهار دارند (کاپویانی آرانی، ۱۳۹۲، ص ۳۴۱). نمره کل آزمودنی در فرم کوتاه، حداقل ۷۵ و حداکثر ۳۰۰ خواهد بود. پایایی پرسش‌نامه به‌شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل پرسش‌نامه فرم بلند ۰/۷۸ و برای فرم کوتاه آن ۰/۷۱ گزارش شده است. روایی هم‌زمان آن با آزمون جهت‌گیری مذهبی، ۰/۶۴ به دست آمده و میان همه مؤلفه‌های آزمون سبک زندگی اسلامی نمره کل آن، همبستگی وجود دارد. در این پژوهش، از فرم کوتاه آن استفاده شده است. فرم کوتاه این آزمون دارای نه خرده‌مقیاس است که عبارت‌اند از: ۱. روشنفکری منفی، که وجه مشترک پرسش‌های آن این است که گویا فرد بیش از آنکه تعبد دینی داشته باشد، به باورهای ناصحیح اجتماعی - فرهنگی دل داده است. ۲. نوع دوستی؛ که وجه مشترک گویه‌های آن، آزمودنی را نوع‌دوست معرفی می‌کند. ۳. لذت‌خواهی؛ که وجه مشترک سؤال‌های آن، آزمودنی را فردی لذت‌خواه معرفی می‌کند. ۴. کم‌همتی؛ که وجه مشترک گویه‌های آن، آزمودنی را فردی تنبل و کم‌انگیزه معرفی می‌کند. ۵. اجتماعی؛ ۶. عبادی؛ ۷. ویژگی‌های درون؛ ۸. دنیاخواهی؛ که گویه‌های آن، آزمودنی را دنیاطلب معرفی می‌کند. ۹. گنهکاری؛ که وجه مشترک سؤالات آن این است که آزمودنی را دنیاطلب معرفی می‌کند (کاپویانی، ۱۳۹۷). پایایی کل پرسش‌نامه در پژوهش حاضر، ۰/۹۰۴ به‌دست آمد.

پرسش‌نامه نگرش به فرزندآوری: این آزمون توسط شمس‌الدینی (۱۳۹۴) برای سنجش نگرش به فرزندآوری ساخته شده و دارای ۴۲ گویه است. آزمودنی باید با توجه به باورهای خود درباره فرزندآوری و تعداد فرزندان، به هر آیت‌م در یک طیف پنج‌درجه‌ای از «کاملاً موافقم» تا «کاملاً مخالفم» پاسخ دهد. در این پرسش‌نامه، جهت سؤالات یکسان نیست و گویه‌ها در دو بعد منفی و مثبت طراحی و تدوین شده‌اند. نمره کل آزمودنی بین ۵۲ تا ۱۵۷ می‌باشد. کاه فیروز و همکاران (۱۳۹۵) پایایی پرسش‌نامه به‌شیوه همسانی درونی (آلفای کرونباخ) برای کل پرسش‌نامه را ۰/۸۱۲ گزارش کرده‌اند. میان همه گویه‌های آزمون و نمره کل آن، همبستگی قابل قبولی به‌دست آمده است. پایایی کل پرسش‌نامه در پژوهش حاضر ۰/۸۶۸ به‌دست آمد.

جدول ۱. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی گروه نمونه (N=360)

ویژگی	N	%	ویژگی	n	%
۱. جنسیت			۵. طبقه اجتماعی		
مرد	۲۱۶	۶۰	ضعیف	۶۸	۱۹
زن	۱۴۴	۴۰	متوسط	۲۱۵	۶۰
۲. سطح تحصیلات			خوب	۷۷	۲۱
دیپلم و فوق‌دیپلم	۵۵	۱۵	۶. تعداد فرزند		
کارشناسی	۱۹۱	۵۳	بدون فرزند	۱۱۳	۳۲
کارشناسی‌ارشد	۱۱۴	۳۲	تک فرزند	۸۴	۲۳
۳. شغل			دو فرزند	۹۸	۲۷
طلبه	۲۱۶	۶۰	سه فرزند و بیشتر	۶۵	۱۸
دانشجو	۱۴۴	۴۰	۷. مدت ازدواج		
۴. سن شرکت‌کنندگان			۱-۵ سال	۱۴۵	۴۰
۲۰-۳۰	۱۹۴	۵۴	۶-۱۶ سال	۱۶۴	۴۶
۳۱-۴۰	۱۴۳	۴۰	۱۶-۳۰ سال	۵۱	۱۴
۴۱-۵۰	۲۳	۶			

نمونه مورد مطالعه، شامل ۳۶۰ نفر (۲۱۶ زن و ۱۴۴ مرد) آزمودنی بود که میانگین سنی آنها ۳۰/۵۷ با انحراف معیار ۶/۸۰ به‌دست آمد و به‌طور میانگین، ۸/۸۵ سال از زمان ازدواج آنان گذشته بود. تعداد خواهران و برادران ۹۴ نفر (۲۶ درصد) و کمتر از آن، ۱۷۷ نفر (۴۹/۲ درصد) بین ۳ تا ۵ و ۸۹ نفر (۲۴/۷ درصد) بیش از ۶ به‌دست آمد. نتایج مربوط به همبستگی اسپیرمن و تاوکندال بین متغیرهای جمعیت‌شناختی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری، در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای جمعیت‌شناختی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱. سن	۱						
۲. مدت ازدواج	+/۶۷**	۱					
۳. تحصیلات	+/۲۳**	+/۱۱*	۱				
۴. طبقه اجتماعی	+/۰۳	+/۰۱	+/۰۷	۱			
۵. تعداد فرزندان	+/۶۰**	+/۶۷**	+/۱۰*	+/۰۴	۱		
۶. نگرش منفی	+/۰۲	+/۰۶	+/۱۲*	+/۱۱*	-+/۱۴**	۱	
۷. نگرش مثبت	-+/۰۴	-+/۰۱	+/۰۲	-+/۱۳*	-+/۰۱	-+/۶۳**	۱

طبق ماتریس همبستگی، از میان متغیرهای جمعیت‌شناختی، تحصیلات و طبقه اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت ضعیف و معناداری دارند و بین تعداد فرزندان و نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط ضعیف منفی و معناداری وجود دارد؛ اما سن و مدت ازدواج با هیچ‌یک از نگرش‌ها به فرزندآوری ارتباط معناداری نداشت. از بین همه متغیرهای یادشده تنها بین طبقه اجتماعی اقتصادی و نگرش مثبت به فرزندآوری، ارتباط منفی و معناداری به‌دست آمد. نتایج مربوط به میانگین، انحراف استاندارد و همبستگی پیرسون بین متغیرهای مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری، در جدول ۳ ارائه شده است.

جدول ۳. میانگین، انحراف استاندارد و ماتریس همبستگی مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی و نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری

۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
										۱	۱. روشنفکری منفی
									۱	-.۲۵**	۲. ویژگی‌های درونی
								۱	-.۳۷**	-.۰۷	۳. عبادی
							۱	-.۰۸	-.۰۱*	۰.۴۱**	۴. دنیاخواهی
						۱	-.۰۱	-.۵۰**	-.۵۶**	-.۰۷	۵. اجتماعی
					۱	-.۱۸**	۰.۴۱**	-.۲۲**	-.۲۹**	۰.۳۷**	۶. گنهکاری
				۱	-.۵۵**	-.۲۳**	۰.۴۱**	-.۲۴**	-.۲۶**	۰.۳۳**	۷. لذت‌خواهی
			۱	-.۵۲**	-.۴۴**	-.۲۶**	۰.۲۵**	-.۱۹**	-.۲۷**	۰.۳۵**	۸. کم‌همتی
		۱	۰.۰۹	۰.۰۳	۰.۰۷	۰.۴۹**	۰.۱۱*	۰.۳۷**	۰.۲۶**	۰.۱۷**	۹. نوع‌دوستی
	۱	-.۰۹	-.۱۶**	-.۲۶**	-.۳۱**	-.۱۳*	۰.۳۹**	-.۱۷**	-.۱۷**	۰.۴۰**	۱۰. نگرش منفی
۱	-.۰۴۹**	۰.۰۰	-.۰۳	-.۰۱۷**	-.۰۲۱**	۰.۰۰	-.۰۲۱**	-.۰۰	۰.۰۱	-.۰۱۶**	۱۱. نگرش مثبت
۱۳۹/۱۳	۷۴/۶۰	۲۱/۸۶	۳۴/۳۱	۲۹/۸۵	۴۲/۱۹	۳۱/۸۰	۵۵/۳۵	۳۸/۰۷	۳۶/۷۹	۵۵/۳۲	M
۱۱/۱۰	۱۱/۲۲	۳/۱۹	۵/۵۲	۵/۵۰	۷/۸۶	۷/۳۲	۱۰/۲۷	۸/۱۹	۹/۸۳	۷/۶۵	SD

**p < ۰/۰۱ *p < ۰/۰۵

جدول ۳ نشان می‌دهد که بیشترین سطح بین شرکت‌کنندگان در نگرش به فرزندآوری، مربوط به نگرش مثبت به فرزندآوری است و در خرده‌مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی، در روشنفکری منفی و دنیاخواهی می‌باشد. طبق ماتریس همبستگی، مؤلفه‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، گنهکاری، لذت‌خواهی و کم‌همتی، با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط مثبت و معناداری دارند. ارتباط خرده‌مقیاس‌های ویژگی‌های درونی، عبادی و اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری نیز منفی و معنادار بود. همچنین نتایج نشان می‌دهند که خرده‌مقیاس‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، گنهکاری و لذت‌خواهی با نگرش مثبت به فرزندآوری ارتباط منفی و معنادار دارند. به‌منظور تعیین سهم هریک از خرده‌مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی و جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی نگرش منفی به فرزندآوری، از تحلیل رگرسیون چندگانه به‌روش گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج آن در جداول ۴ آمده است.

نگرش به فرزندآوری: نقش سبک زندگی اسلامی و ویژگی‌های جمعیت‌شناختی ۱۱۵

جدول ۴. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به نگرش منفی به فرزندآوری از طریق متغیر جمعیت‌شناختی و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

خطای برآورد	ضریب تیین	R2	R	سطح معناداری	F	میانگین مجدورات	Df	مجموع مجدورات	شاخص مدل	
									رگرسیون	باقی‌مانده
۱۰/۲۷۶	۰/۱۶۲	۰/۱۶۴	۰/۴۰۵	۰/۰۰۰۱	۷۰/۱۴۷	۷۴۰۷/۵۱۲	۱	۷۴۰۷/۵۱۲	رگرسیون	۱
						۱۰۵/۵۹۹	۳۵۸	۳۷۸۰۴/۴۷۷	باقی‌مانده	
۹/۸۹۸	۰/۲۲۲	۰/۲۳۶	۰/۴۷۶	۰/۰۰۰۱	۵۲/۲۰۴	۵۱۱۵/۳۴۰	۲	۱۰۲۳۰/۶۷۹	رگرسیون	۲
						۹۷/۹۸۷	۳۵۷	۳۴۹۸۱/۳۱۰	باقی‌مانده	
۹/۷۰۲	۰/۲۵۲	۰/۲۵۹	۰/۵۰۹	۰/۰۰۰۱	۴۱/۴۰۹	۳۸۹۸/۵۶۸	۳	۱۱۶۹۵/۷۰۴	رگرسیون	۳
						۹۴/۱۴۷	۳۵۶	۳۳۵۱۶/۲۸۵	باقی‌مانده	
۹/۵۶۲	۰/۲۶۰	۰/۲۶۸	۰/۵۱۸	۰/۰۰۰۱	۳۲/۵۷۲	۳۰۳۴/۵۴۹	۴	۱۲۱۳۸/۱۹۸	رگرسیون	۴
						۹۳/۱۶۶	۳۵۵	۳۳۰۷۳/۷۹۱	باقی‌مانده	

نتایج جدول ۴ نشان داد که روشنفکری منفی قوی‌ترین رابطه را با نگرش منفی به فرزندآوری دارد ($R=۰/۴۰$) در مرحله بعد با اضافه شدن دنیاخواهی، ضریب همبستگی به $۰/۴۷$ و ضریب تبیین به ۲۲ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن نوع‌دوستی نیز ضریب همبستگی $۰/۵۰$ و ضریب تبیین $۰/۲۵$ به‌دست آمد. در نهایت در گام چهارم و با اضافه شدن گنجهکاری، ضریب همبستگی $۰/۵۱$ و ضریب تبیین $۰/۲۶$ به‌دست آمد. این بدان معناست که روشنفکری، دنیاخواهی، نوع‌دوستی و گنجهکاری، در مجموع ۲۶ درصد از واریانس نگرش منفی به فرزندآوری را تبیین می‌کنند.

جدول ۵. شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به نگرش منفی به فرزندآوری

خطای معناداری	T	ضریب استاندارد بتا	خطای معیار	ضریب غیراستاندارد بتا	شاخص متغیر
۰/۰۰۰	۱۰/۵۵۸		۱/۴۸۵	۴۱/۷۷۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۸/۳۷۵	۰/۴۰۵	۰/۰۷۱	۰/۵۹۳	روشنفکری منفی
۰/۰۰۰	۸/۴۸۸		۴/۰۵۲	۳۴/۳۹۵	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۶۹۲	۰/۲۹۱	۰/۰۷۵	۰/۴۲۷	روشنفکری منفی
۰/۰۰۰	۵/۳۶۸	۰/۲۷۵	۰/۰۵۶	۰/۳۰۰	دنیاخواهی
۰/۰۰۰	۹/۳۴۱		۴/۸۷۹	۴۵/۵۶۹	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۶/۳۰۱	۰/۳۱۹	۰/۰۷۴	۰/۴۶۸	روشنفکری منفی
۰/۰۰۰	۵/۶۷۳	۰/۲۸۵	۰/۰۵۵	۰/۳۱۱	دنیاخواهی
۰/۰۰۰	-۳/۹۴۵	-۰/۱۸۳	۰/۱۶۳	-۰/۶۴۳	نوع‌دوستی
۰/۰۰۰	۸/۶۸۲		۴/۹۷۵	۴۳/۱۸۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	۵/۵۹۹	۰/۲۹۱	۰/۰۷۶	۰/۴۲۷	روشنفکری منفی
۰/۰۰۰	۴/۷۴۲	۰/۲۴۹	۰/۰۵۷	۰/۲۷۲	دنیاخواهی
۰/۰۰۰	-۳/۹۵۷	-۰/۱۸۳	۰/۱۶۲	-۰/۶۴۲	نوع‌دوستی
۰/۰۳۰	۲/۱۷۹	۰/۱۱۳	۰/۰۷۴	۰/۱۶۱	گنجهکاری

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که روشنفکری منفی ($B=0/291, P<0/0001$)، دنیاخواهی ($B=0/249, P<0/0001$)، و گنجهکاری ($B=0/113, P<0/030$) به صورت مثبت، و نوع دوستی ($B=-0/183, P<0/030$) به صورت منفی توانسته‌اند نگرش منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی کنند. براساس ضریب بتا، به‌ازای یک واحد افزایش در روشنفکری منفی میزان نگرش منفی به فرزندآوری ۰/۲۹۱ واحد، به‌ازای یک واحد افزایش در دنیاخواهی میزان نگرش منفی به فرزندآوری ۰/۲۴۹ واحد، و به‌ازای یک واحد افزایش در گنجهکاری نگرش منفی به فرزندآوری ۰/۱۱۳ واحد افزایش یافت و به‌ازای یک واحد افزایش در نوع دوستی میزان نگرش منفی به فرزندآوری ۰/۱۸۳ واحد کاهش یافت. بنابراین با توجه به این یافته‌ها، از میان چهار متغیر پیش‌بین معنادار، روشنفکری منفی با قدرت بیشتری می‌تواند نگرش منفی به فرزندآوری را پیش‌بینی کند. به‌منظور تعیین سهم هریک از خرده‌مقیاس‌های سبک زندگی اسلامی و جمعیت‌شناختی در پیش‌بینی نگرش مثبت به فرزندآوری، از تحلیل رگرسیون چندگانه به‌روش گام‌به‌گام استفاده شد که نتایج آن در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶. نتایج تحلیل رگرسیون گام‌به‌گام مربوط به نگرش مثبت به فرزندآوری

از طریق متغیر جمعیت‌شناختی و مؤلفه‌های سبک زندگی اسلامی

خطای برآورد	ضریب تیین	R2	R	سطح معناداری	F	میانگین مجذورات	Df	مجموع مجذورات	شاخص مدل	
									رگرسیون	باقی‌مانده
۱۰/۸۶۰	۰/۰۴۳	۰/۰۴۶	۰/۲۱۳	۰/۰۰۰۱	۱۷/۰۹۷	۲۰۱۶/۶۵۲	۱	۲۰۱۶/۶۵۲	رگرسیون	۱
									باقی‌مانده	۳۵۸
۱۰/۷۱۹	۰/۰۶۸	۰/۰۷۳	۰/۲۷۰	۰/۰۰۰۱	۱۴/۰۰۰	۱۶۰۸/۸۹۳	۲	۳۲۱۷/۷۸۵	رگرسیون	۲
									باقی‌مانده	۳۵۷
۱۰/۶۲۹	۰/۰۸۳	۰/۰۹۱	۰/۳۰۱	۰/۰۰۰۱	۱۱/۸۶۱	۱۳۴۰/۱۷۹	۳	۴۰۲۰/۵۳۸	رگرسیون	۳
									باقی‌مانده	۳۵۶

نتایج جدول ۶ نشان داد که گنجهکاری قوی‌ترین رابطه را با نگرش مثبت به فرزندآوری دارد ($R=0/21$)، $(F=17/097, df=1, P=0/0001)$. این متغیر ۴ درصد از میزان نگرش مثبت به فرزندآوری را پیش‌بینی می‌کند. در مرحله بعد با اضافه شدن طبقه اجتماعی اقتصادی، ضریب همبستگی به ۰/۲۷ و ضریب تبیین به ۶ درصد ارتقا یافت. در گام سوم و با اضافه شدن دنیاخواهی نیز ضریب همبستگی ۰/۳۰ و ضریب تبیین ۰/۰۸ به‌دست آمد. این بدان معناست که گنجهکاری، طبقه اجتماعی اقتصادی و دنیاخواهی، در مجموع ۸ درصد از واریانس نگرش مثبت به فرزندآوری را تبیین می‌کنند.

جدول ۷. شاخص‌های آماری و ضرایب متغیرهای پیش‌بین در رگرسیون مربوط به نگرش مثبت به فرزندآوری

سطح معناداری	T	ضریب استاندارد بتا	خطای معیار	ضریب غیراستاندارد بتا	شاخص متغیر
۰/۰۰۰	۴۸/۵۳۹		۳/۱۲۸	۱۵۱/۸۵۱	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۴/۱۳۵	-۰/۲۱۳	۰/۰۷۳	-۰/۳۰۱	گنجهکاری
۰/۰۰۰	۴۴/۳۹۴		۳/۵۴۸	۱۵۷/۴۹۸	مقدار ثابت
۰/۰۰۰	-۳/۹۵۴	-۰/۲۰۲	۰/۰۷۲	-۰/۲۸۵	گنجهکاری
۰/۰۰۱	-۳/۲۳۳	-۰/۱۶۵	۰/۶۳۸	-۲/۰۶۱	طبقه اجتماعی اقتصادی
۰/۰۰۰	۴۰/۴۶۶		۴/۰۲۰	۱۶۲/۶۸۶	مقدار ثابت
۰/۰۱۳	-۲/۵۰۵	-۰/۱۴۰	۰/۰۷۹	-۰/۱۹۷	گنجهکاری
۰/۰۰۱	-۳/۲۷۰	-۰/۱۶۶	۰/۶۳۲	-۲/۰۶۷	طبقه اجتماعی اقتصادی
۰/۰۰۸	-۲/۶۶۵	-۰/۱۴۸	۰/۰۶۰	-۰/۱۶۰	دنیاخواهی

نتایج ضرایب بتای استاندارد شده نشان می‌دهد که گنجهکاری ($B = -0/140, P < 0/0001$)، طبقه اجتماعی اقتصادی ($B = -0/166, P < 0/001$) و دنیاخواهی ($B = -0/148, P < 0/01$) به صورت منفی توانسته‌اند نگرش مثبت به فرزندآوری را پیش‌بینی کنند. براساس ضریب بتا، به ازای یک واحد افزایش در گنجهکاری میزان نگرش مثبت به فرزندآوری $0/140$ واحد، به ازای یک واحد افزایش در طبقه اجتماعی اقتصادی میزان نگرش مثبت به فرزندآوری $0/166$ واحد و به ازای یک واحد افزایش در دنیاخواهی میزان نگرش مثبت به فرزندآوری $0/148$ واحد کاهش یافت. بنابراین با توجه به این یافته‌ها، از میان سه متغیر پیش‌بین معنادار، طبقه اجتماعی اقتصادی با قدرت بیشتری می‌تواند نگرش مثبت به فرزندآوری را پیش‌بینی کند.

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و سبک زندگی اسلامی در پیش‌بینی نگرش به فرزندآوری بود. یافته‌ها نشان دادند که تحصیلات و طبقه اجتماعی با نگرش منفی به فرزندآوری دارای ارتباط مثبت و معنادار هستند و شغل و میزان درآمد با نگرش منفی به فرزندآوری ارتباط منفی و معناداری دارند. ارتباط متغیرهای جمعیت‌شناختی جنسیت، سن، مدت ازدواج، تعداد فرزندان و تعداد خواهر و برادر با نگرش منفی به فرزندآوری معنادار نبود و از بین همه متغیرهای یادشده، تنها بین طبقه اجتماعی اقتصادی و نگرش مثبت به فرزندآوری ارتباط منفی و معناداری به دست آمد و نقش پیش‌بینی‌کنندگی آن تأیید شد. این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های متعدد، از جمله مطلق و همکاران (۱۳۹۵)، کشاورز و همکاران (۱۳۹۲)، رازقی نصرآباد و سرایی (۱۳۹۳) و نفیسی و همکاران (۱۳۹۳) که همگی مشکلات اقتصادی را از دلایل مهم نگرش منفی به فرزندآوری عنوان کرده‌اند، همچنین با پژوهش‌های ایمان و همکاران (۱۳۹۳)، شوازی و خواجه صالحی (۱۳۹۲) و موسوی و قافله‌باشی (۱۳۹۲) که حاکی از نقش تعیین‌کننده تحصیلات در تبیین تغییرات نگرش به فرزندآوری بودند، و با بررسی‌های ایمان و همکاران (۱۳۹۳)، رازقی نصرآباد و سرایی (۱۳۹۳) و اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳) که اثر معنادار اشتغال بر کاهش باروری را نشان داده‌اند، همسو و هماهنگ است.

رابطه متغیرهای جمعیت‌شناختی، همچون طبقه اقتصادی اجتماعی، درآمد، شغل و تحصیلات با نگرش به فرزندآوری را می‌توان این‌گونه تبیین کرد: افزایش ناامنی اقتصادی و شغلی، نگرانی از ریسک‌های اجتماعی و تلاش خانواده‌ها برای ساختن زندگی مرفه‌تر، از مسائل و جنبه‌های مهم زندگی زوجین امروزی است و راه‌حل انتخابی اولیه، تأخیر در فرزندآوری و کاهش تعداد فرزندان بوده است. زندگی مدرن امروزی باعث افزایش نیازهای مادی و اجتماعی افراد شده است و تمایل به فردگرایی، ارتقای سطح زندگی و داشتن رفاه بیشتر، با داشتن فرزند زیاد سازگاری ندارد. این ارزش‌های فرهنگی از راه فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی، در عرصه جهانی از جمله کشورهای در حال توسعه انتشار می‌یابد و به‌واسطه آن، نوعی آگاهی جهانی در خصوص سبک زندگی نوین ایجاد می‌شود. براین اساس می‌توان پیش‌بینی کرد، وقتی افراد به‌ویژه جوانان احساس کنند که با حضور فرزند، هویت و فردیت و آرزوها و امیال شخصی به خطر می‌افتد، گرایش به فرزندآوری در آنان کاهش می‌یابد و نگرش مثبتی به آن نخواهند داشت.

از سوی دیگر، سطح تحصیلات و مدت زمان بالای حضور زوجین، به‌ویژه زنان در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی، همراه با مشکلات انجام هم‌زمان نقش دانشجویی و والدگری، تأثیر مستقیمی بر زمان فرزندآوری داشته است. علاوه بر این، تحصیلات، منجر به یادگیری ایده‌ها و شیوه‌های جدید زندگی شده است. زوجین با دسترسی گسترده به انواعی از شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های ارتباطی، در معرض ایده‌ها و الگوهای رفتارهای نوین قرار می‌گیرند که موجب افزایش استقلال در تصمیم‌گیری آنان می‌شود. درواقع تحصیلات از طریق افزایش فرصت‌های شغلی و ایجاد چشم‌انداز مساعد برای دستیابی به ورود به بازار کار و در نتیجه فراهم شدن نقش‌های جایگزین برای زنان، نقش مهمی در نگرش و تمایل آنان به فرزندآوری ایفا می‌کند. نتایج پژوهش موسوی و قافله‌باشی (۱۳۹۲) نیز نشان داده که زوجین با افزایش تحصیلات و به‌جهت استفاده بهینه از وقت و افزایش ثروت، فرزندآوری را مانع اهداف خود می‌بینند؛ درحالی‌که در طبقات تحصیلی پایین‌تر، نگرش منفی به فرزندآوری کاهش می‌یابد. به‌طور کلی می‌توان به این نکته اشاره کرد که دغدغه‌های والدین در مسائل اقتصادی، رفاهی و محدودیت‌هایی که فرزندآوری ایجاد می‌کند، موجب نگرش منفی به فرزندآوری و تأخیر در آن می‌شود.

یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که سبک زندگی اسلامی و مؤلفه‌های روشنفکری منفی، دنیاخواهی، نوع‌دوستی و گنهکاری، به‌خوبی می‌توانند نگرش مثبت و منفی به فرزندآوری را تبیین کنند. این یافته‌ها در راستای یافته‌های پژوهش کلانتری و دیگران (۱۳۸۹)، عنایت و پرنیان (۱۳۹۲)، اسحاقی و همکاران (۱۳۹۳)، جوکار (۱۳۹۳)، پرهان و کمالی‌ها (۱۳۹۴)، پلتن و رحمانیان (۱۳۹۴)، مدیری و رازقی نصرآباد (۱۳۹۴)، اوجاقلو و سرابی (۲۰۱۴)، رضانی (۱۳۹۵)، رسول‌زاده اقدم و همکاران (۱۳۹۵)، نقیسی و همکاران (۱۳۹۳)، هیفورد و همکاران (۲۰۰۸) و لوند (۲۰۱۴) که نقش باورهای دینی، دینداری و مذهب را در تمایل و نگرش به فرزندآوری نشان داده‌اند، می‌باشد.

در تبیین این یافته پژوهش می‌توان به این نکته اشاره کرد که سبک زندگی مدرن (غربی) که بر پایه اعتقاد به انسان‌محوری بنا شده است، می‌کوشد این برداشت را در ذهن ایجاد کند که برای خوشبختی و لذت بردن بیشتر از زندگی، باید تعداد اعضای خانواده را محدود کرد و این کار با کنترل گرایش به فرزندآوری و کاهش زادوولد محقق می‌شود. بنابراین، تأثیر مدرنیته و نفوذ سبک زندگی مدرن در لایه‌های مختلف زندگی فردی، خانوادگی و اجتماعی، از

عوامل مهم کاهش گرایش به باروری و فرزندآوری در کشور به‌شمار می‌آید. تحت تأثیر این روشنفکری‌های منفی، افراد بیشتر به دنبال آزادی و استقلال و پیشرفت خود در عرصه‌های گوناگون هستند و داشتن فرزند زیاد را مانعی بر سر راه تحقق پیشرفت فردی تلقی می‌کنند. در چنین شرایطی، هرگونه نگرش به فرزندآوری بر مبنای احتساب سود و زیان مترتب بر آن انجام می‌گیرد. در این میان، راحتی فردی قوی‌ترین رابطه را با نگرش به فرزندآوری دارد و چنانچه افراد احساس کنند که با تولد فرزند، منافع فردی و مصلحت شخصی آنان به خطر می‌افتد، از اقدام به آن صرف‌نظر خواهند کرد. در سبک زندگی دنیاگرایانه، نوع نگاه به‌گونه‌ای است که وقتی فرزند برای دنیاخواهان و دنیاگرایان نان و نام به‌همراه داشته باشد و مانع بهره‌وری دنیایی و باعث فقر نباشد، مطلوب است و نگرش مثبتی به آن جود دارد.

در مقابل و از سوی دیگر، سبک زندگی اسلامی با مداخله در بینش افراد، به آنها کمک می‌کند که در زندگی به رضایت الهی توجه داشته باشند. در این نوع سبک زندگی، هدف غایی نیل به رضایت الهی است و فرد با عمل بر طبق آموزه‌های اسلام، به این هدف دست می‌یابد. زمانی که فرد در انجام هر یک از وظایف زندگی خود آگاه باشد که عمل او مقدمه‌ای برای نیل به هدف غایی حیات است، انجام وظایف شغلی، خانوادگی و سایر وظایف زندگی برای او احساس رضایت شخصی به ارمغان می‌آورد. در این میان، وجود باورهای خاص مذهبی، نظامی از ارزش‌ها و هنجارها را در زمینه سن ازدواج و فرزندآوری تحت تأثیر قرار می‌دهد و موجب افزایش نگرش مثبت به باروری در بین خانواده‌ها می‌شود (راد و ثوابی، ۱۳۹۴). به عبارت دیگر، علت اینکه افراد مذهبی تعداد بیشتری فرزند نسبت به افراد غیرمذهبی دارند، می‌تواند ناشی از این باشد که اعتقادات مذهبی، احساس راحتی، قدرت و امید به آینده در افراد ایجاد می‌کند و موجب نگرش مثبت به فرزندآوری می‌گردد.

در همین زمینه تحقیقات تجربی پڑهان و کمالی‌ها (۱۳۹۴) در تهران نیز نشان داد که اعتقادات مذهبی ارتباط مستقیم معناداری با باروری دارد و با افزایش اعتقادات مذهبی، باروری نیز افزایش می‌یابد. پیلین و رحمانیان (۱۳۹۴) نیز در مطالعه خود گزارش کرده‌اند که بعد دینداری بر تمایل به فرزندآوری تأثیر مستقیمی دارد و مطالعه هیفورد و همکاران (۲۰۰۸) و پژوهش لوند (۲۰۱۴) مشخص کرد: زنانی که دین در زندگی آنان نقش بسیار مهمی دارد، به‌طور متوسط تعداد بیشتری فرزند (۰/۶۹) نسبت به بقیه زنان دارند. نتایج پژوهش کلاتری و دیگران (۱۳۸۹) نیز با بررسی الگوی ساختاری متغیرهای مرتبط با فرزندآوری نشان داد که دینداری افراد بیشترین اثر مستقیم و کلی را بر نگرش مثبت به فرزندآوری داشته است.

رویکردهای نظری اظهار می‌دارند که سبک زندگی اسلامی افراد به دو طریق مستقیم و غیرمستقیم بر نگرش به فرزندآوری اثر می‌گذارد. تأثیر مستقیم، هنجارها، قوانین و آموزه‌های اسلامی است که به‌طور خاص در خصوص باروری و تعداد فرزندان وجود دارد. از سوی دیگر، ممکن است افراد در گروه‌های مذهبی و در موقعیت اقتصادی اجتماعی متفاوتی قرار بگیرند و متأثر از این شرایط، رفتار جمعیتی متفاوتی نیز داشته باشند. در واقع، اثر غیرمستقیم، از تعامل مذهب با سایر عواملی که بر فرزندآوری اثر می‌گذارد، ناشی می‌شود.

برخلاف مکتب فمینیسم که فرزندآوری را باری بر دوش زنان می‌داند و آن را مایه ستم به آنان می‌شمارد، نگاه اسلام توأم با ارزش و احترام است و فرزندآوری ارزش‌های مادی و معنوی فراوانی دارد. در سبک زندگی اسلامی، فرزندآوری نه تنها قید و بندی بر سر راه آزادی زنان نخواهد بود، بلکه خود کلیدی برای آزادی معنوی و

وسيله‌ای برای ارتقا و تعالی حقیقی فرد است که خداوند یکتا آن را در انحصار زنان قرار داده است (بستان، ۱۳۸۲). نگاه اسلام به فرزندآوری، بدین گونه است که هم بر لذت، سود و منفعت دنیایی برای والدین تأکید می‌کند و هم پاداش اخروی و معنوی را به مؤمنان نوید می‌دهد. براین اساس در دیدگاه اسلام در زمینه فرزندآوری، نه صرف سود و زیان مادی‌گرایانه مطرح است و نه محاسبات غیرعقلانی راهبان و دنیاگرایان.

بررسی آیات و روایات اسلامی نشان می‌دهد که به‌طور عموم نظر اسلام درباره مسئله فرزندآوری مثبت است و داشتن فرزند بیشتر، زندگی بهتری را برای خانواده و جامعه رقم می‌زند. در آیات و روایات فراوانی، از فرزند با تعبیرهایی همچون مایه امید، نور چشم، نعمت الهی، باعث آسودگی خاطر و شادی، هدیه الهی، میوه دل، عامل خوشبختی، یاری کننده، عامل ثواب و پاداش اخروی و نیز رحمت و غفران الهی، باعث خیر و برکت در خانه، باعث قوت قلب و شکفتگی یادشده و نداشتن فرزند و دوری از او سبب غم و ناامیدی و اضطراب بیان گردیده است. چنین رویکردی موجب ایجاد نگرش‌ها و رفتارهای مثبت زوجین در قالب سبک زندگی اسلامی نسبت به فرزندآوری می‌شود و نقش هدایتگر و تعیین کننده خود را در نگرش به فرزندآوری ایفا می‌کند.

طبق آموزه‌های اسلامی، بارداری، زایمان و شیردهی جایگاهی ویژه دارد. از رسول خدا ﷺ نقل شده است که زن در زمان بارداری به‌مزنله کسی است که روزها روزه‌دار و شب‌ها در حال عبادت و با مال و جانش در راه خدا مشغول جهاد است؛ و زمانی که وضع حمل می‌کند، مستحق پاداشی می‌گردد که به‌سبب بزرگی آن، هیچ کس نمی‌تواند آن را درک کند؛ و زمانی که کودکش را شیر می‌دهد، پاداشی معادل آزاد کردن فرزند از فرزندان اسماعیل را که وقف عبادت خدا شده است، دریافت می‌کند؛ و هنگامی که از شیر دادن فارغ می‌گردد، فرشته‌ای از فرشتگان الهی به او می‌گوید: اعمال را از سر بگیر که تمام گناهات آمرزیده شدند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۱، ص ۱۰۱ و ۱۰۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۴۵۱). پیامبر اکرم ﷺ در سخنی دیگر، سختی و اجر بارداری و وضع حمل و شیر دادن به کودک را معادل مرزبانی، و مرگ او در این راه را به‌مزنله شهادت دانسته‌اند (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۵۶۱).

این نگرش باعث می‌شود که فرزندآوری وسیله‌ای برای تعالی و رشد حقیقی فرد تلقی شود و کارکردی صرفاً طبیعی و حیوانی برای آن تعریف نگردد. بنابراین برخلاف مکتب فمینیسم که بارداری و فرایند تولیدمثل را باری بر دوش زنان می‌داند و آن را مایه ستم به آنان می‌شمارد، نگاه اسلام به آن توأم با ارزش و احترام است و فریضه فرزندآوری ارزش‌های مادی و معنوی فراوانی دارد. با چنین نگرشی، فرایند تولیدمثل، نه‌تنها قیدوبندی بر سر راه آزادی زنان نخواهد بود، خود کلیدی برای آزادی معنوی و وسیله‌ای برای ارتقا و تعالی حقیقی فرد است که خداوند یکتا آن را در انحصار زنان قرار داده است.

نتایج پژوهش حاضر، علاوه بر توسعه و گسترش ادبیات علمی موجود درباره نگرش‌های مربوط به فرزندآوری، دارای تلویحات کاربردی جهت اصلاح و پیشرفت برنامه‌های آموزشی و سیاست‌گذاری جمعیت‌شناختی نیز است. در این زمینه می‌توان با شناسایی باورهای روشنفکرانه منفی، توجه بیشتر به سازه سبک زندگی اسلامی و دینداری افراد، بر تقویت باورهای مذهبی جوانان متمرکز شد و بر تدوین برنامه‌های آموزشی برای زوجین و اصلاح الگوهای زندگی آنها جهت پیشگیری و کاهش عوامل زمینه‌ساز نگرش‌های منفی به فرزندآوری تأکید کرد.

منابع

- اسحاقی، محمد و همکاران، ۱۳۹۳، «چالش‌های فرزندآوری زنان شاغل در یک مطالعه کیفی»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوازدهم، ش ۱، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- اجاقلو، سجاد و حسن سرایی، ۲۰۱۴، «مطالعه تغییرات زمانی ارزش فرزند در ایران (مطالعه زنان شهر زنجان)»، *مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ش ۳ (۲)، ص ۲۶۱-۲۸۳.
- ایمان، محمدتقی و همکاران، ۱۳۹۳، «رابطه بین جامعه‌شناسی گرایش جوانان به سبک زندگی مدرن در شهر شیراز»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و پنجم، ش ۳، ص ۱-۲۰.
- برنارد، اسپادک، ۱۳۶۹، *آموزش دوران کودکی*، ترجمه محمدحسین نظری‌نژاد، مشهد، آستان قدس رضوی.
- بستان، حسین، ۱۳۸۲، «کارکردهای خانواده از منظر اسلام و فمینیسم»، *روش‌شناسی علوم انسانی*، ش ۳۵، ص ۴-۳۴.
- ، ۱۳۹۰، *جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- بشیری، ابوالقاسم، ۱۳۸۸، *انتقال زوجین*، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- پاینده، ابوالقاسم، ۱۳۸۲، *نهج الفصاحه* (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول)، تهران، دنیای دانش.
- پیتن، فخر السادات و محمد رحمانیان، ۱۳۹۴، «بررسی جامعه شناختی عوامل مؤثر بر تمایل به فرزندآوری زنان و مردان متأهل (مورد مطالعه: زنان و مردان ۲۵ تا ۴۵ ساله شهر جهرم)»، *مطالعات توسعه اجتماعی ایران*، ش ۲۶، ص ۱۲۱-۱۳۴.
- پژهان، علی و آنا کمالی‌ها، ۱۳۹۴، «تأثیر عوامل فرهنگی بر باروری زنان ۴۹-۱۵ سال منطقه ۱۲ شهر تهران»، *جامعه پژوهی فرهنگی*، سال ششم، ش ۲، ص ۱۱۵-۱۳۷.
- حرعاملی، محمدبن حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل‌الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- حسینی، حاتم و بلال بیگی، ۱۳۹۳، «تبیین‌کننده اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و جمعیت شناختی تمایلات فرزندآوری زنان همسر دار مراجعه کننده به مراکز بهداشتی-درمانی همدان (۱۳۹۱)»، *ماهنامه دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه*، سال هجدهم، ش ۱، ص ۳۵-۴۳.
- راه، فیروز و حمیده ثوابی، ۱۳۹۴، «بررسی گرایش به باروری و عوامل اجتماعی مرتبط با آن (مطالعه موردی زنان متأهل ۵۰-۱۵ ساله ساکن شهر تبریز)»، *مطالعات زن و خانواده*، دوره ۳، ش ۱، ص ۱۲۷-۱۵۵.
- رازقی نصرآباد، حبیبه بی‌بی و حسین سرایی، ۱۳۹۳، «تحلیل کوهورتی نگرش زنان درباره ارزش فرزند در استان سمنان»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره دوازدهم، ش ۲، ص ۲۲۹-۲۵۰.
- رسول‌زاده اقدم، صمد و دیگران، ۱۳۹۵، «تحلیل رابطه سرمایه اجتماعی و سبک زندگی با گرایش به فرزندآوری (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه شهید مدنی آذربایجان)»، *راهبرد اجتماعی فرهنگی*، ش ۲۰، ص ۱۰۷-۱۳۵.
- رضضانی، فاطمه، ۱۳۹۵، «فرزندخواهی در سبک‌های زندگی دنیاگرایانه، دنیاگریزانه و اسلامی»، *پژوهش‌های علوم اجتماعی*، ش ۱۰۹، ص ۵۵-۷۴.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۱، «سبک زندگی به‌عنوان شاخص برای ارزیابی سطح ایمان»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، ش ۱۱، ص ۴۹-۶۲.
- شمس‌الدینی، حسین، ۱۳۹۴، *مطالعه ابعاد سبک زندگی بر نگرش زنان شهر تهران نسبت به فرزندآوری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی.
- صدوق، محمدبن علی، ۱۴۱۳ق، *من لایحضره الفقیه*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، ۱۴۱۷ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- عباسی شوازی، محمدجلال و ملیحه علی‌مندگاری، ۱۳۸۹، «تأثیر ابعاد متفاوت استقلال زنان بر رفتار باروری آنها در ایران»، *پژوهش زنان*، دوره هشتم، ش ۱، ص ۳۲-۵۱.

- عباسی شوازی، محمدجلال و زهره خواجه صالحی، ۱۳۹۲، «سنجش تأثیر استقلال، مشارکت اجتماعی و تحصیلات زنان بر تمایل به فرزندآوری (مطالعه موردی شهر سیرجان)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره یازدهم، ش ۱، ص ۴۵-۶۴.
- عباسی شوازی، محمدجلال و عباس عسکری ندوشن، ۱۳۸۴، «تغییرات خانواده و کاهش باروری در ایران: مطالعه موردی استان یزد»، *نامه علوم اجتماعی*، ش ۲۵، ص ۲۵-۷۵.
- عباسی شوازی، محمدجلال و همکاران، ۱۳۸۳، *تحولات باروری در ایران با شواهدی از چهار استان منتخب*، تهران، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی.
- عنایت، حلیمه و لیلیا پرنیان، ۱۳۹۲، «مطالعه رابطه جهانی‌شدن فرهنگی و گرایش به فرزندآوری»، *زن و جامعه*، سال چهارم، ش ۲، ص ۱۰۹-۱۳۶.
- قدرتی، حسین و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی رابطه برابری جنسیتی در خانواده و باروری زنان مطالعه موردی: زنان متأهل ۳۰ تا ۴۰ ساله شهر سبزوار»، *مطالعات جغرافیایی مناطق خشک*، ش ۱۱، ص ۷۵-۹۱.
- کوه فیروز، زینب و همکاران، ۱۳۹۵، «تأثیر مؤلفه‌های سبک زندگی بر نگرش به فرزندآوری (مطالعه موردی زنان درآستانه ازدواج شهر تهران)»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره چهاردهم، ش ۱۲، ص ۲۱۷-۲۳۴.
- کویانی آرنی، محمد، ۱۳۸۸، *نظریه سبک زندگی بر اساس دیدگاه اسلام و طراحی آزمون سبک زندگی اسلامی و ارزیابی ویژگی‌های روان‌سنجی آن*، رساله دکتری، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- _____، ۱۳۹۲، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- _____، ۱۳۹۷، «دورنمایی از روان‌شناسی اسلامی به عنوان یک مکتب»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، ش ۲۳، ص ۶۷-۹۶.
- _____، ۱۳۹۸، *سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن*، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کشاورز، حمید و همکاران، ۱۳۹۲، «بررسی عوامل مؤثر بر فاصله بین ازدواج و فرزندآوری (مطالعه موردی: زنان متأهل ۴۹-۲۰ ساله شهر اصفهان)، *جامعه‌شناسی کاربردی*، ش ۵۰، ص ۱۱۱-۱۲۶.
- کلانتری، صمد و همکاران، ۱۳۸۹، «بررسی جامعه‌شناختی گرایش به فرزندآوری و برخی عوامل مرتبط با آن (مورد مطالعه جوانان متأهل شهر تبریز)»، *جامعه‌شناسی کاربردی*، سال بیست و یکم، ش ۳۷، ص ۸۳-۱۰۴.
- متقی هندی، حسام‌الدین، ۱۴۰۹ق، *کنز العمال فی سنن الاقوال والافعال*، بیروت، مؤسسة الرساله.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ق، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- مدیری، فاطمه و حجه بی‌بی رازقی نصرآبادی، ۱۳۹۴، «بررسی رابطه دینداری و قصد باروری در شهر تهران»، *انجمن جمعیت‌شناسی ایران*، سال دهم، ش ۲۰، ص ۱۲۷-۱۶۲.
- مطلق، محمداسماعیل و همکاران، ۱۳۹۵، «عوامل مؤثر بر ترجیحات باروری در زنان اقوام ایرانی» *مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، دوره ۱۴، ش ۶، ص ۴۸۵-۴۹۵.
- مهدی‌زاده، حمید و همکاران، ۱۳۹۶، «بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی آزمون سبک زندگی اسلامی در نوجوانان دبیرستانی»، *مطالعات اسلام و روانشناسی*، دوره یازدهم، ش ۲۱، ص ۷-۳۴.
- موسوی، فاطمه و مهدیه سادات قافله‌باشی، ۱۳۹۲، «بررسی و نگرش به فرزندآوری در خانواده‌های جوان شهر قزوین»، *مطالعات زن و خانواده*، ش (۲)، ص ۱۱۱-۱۳۴.
- نفیسی، نوید و همکاران، ۱۳۹۳، «بررسی تمایل به فرزندآوری در آستانه ازدواج و برخی عوامل مرتبط با آن در ایران»، *جمعیت*، ش ۹۱ و ۹۲، ص ۱-۹.
- نوری طبرسی، حسین، ۱۴۰۴ق، *مستدرک الوسائل*، بیروت، مؤسسة آل‌البیت لإحياء التراث.

- Buhler, ch, D philipov, 2008, "On the Structural Value of children and its Implication on Intended Fertility in Bulgaria", *Demographic Research*, N. 18, p. 569-610.
- Hayford SR, Morgan SP, 2008, "Religiosity and fertility in the United States: The role of erility intentions", *Social Forces*, N. 86 (3), p. 1163-1188.
- Lund EM, 2014, "Be Ye Fruitful and Multiply: Does Religious Activation Increase Reproductive Desire?", *Theses and Dissertations- Psychology*, N. 52, p. 1-40.
- Griffith, J., & Powers, R. L, 2007, *The lexicon of Adlerian psychology: 106 terms associated with the Individual Psychology of Alfred Adler* (2nd Ed), Port Townsend, WA: Adlerian Psychology Associates
- Mahmudian H., & R. Nobakht, 2007, "Religion and fertility: reproductive behavior Sunni and hia religious groups rancher turned in Fars province", *Social Problems of Iran*, N. 1 (1), p. 198-215.
- Ojaglu S, & H. Saraee, 2014, "The study temporal variation of the value of children in Iran", *Social Studies and Research*, N. 3 (2), p. 263-281.
- <https://www.amar.org.ir>